

با هم بخندیم

پدر به پسرش گفت: راستی صبح چی می خواستی به من بگی؟

**مساله ریاضی**

پدر به پسرش گفت: راستی صبح چی می خواستی به من بگی؟

پسر با شرمندگی گفت: نمی خواهم شما را بترسونم، ولی امروز صبح معلم ریاضی مان گفت که از این به بعد هر کسی مساله ی ریاضی را غلط حل کند تنبیه می شود!!

در کلاس ریاضی

معلم به دانش آموز: اگر تو 200 تومن پول داشته باشی و برادرت 50 تومن آن را بردارد، چه قدر پول برایت می ماند؟

دانش آموز جواب داد: 300 تومن.

معلم با عصبانیت: 300 تومن؟!

دانش آموز جواب داد: چون آنقدر گریه می کنم تا پدرم 150 تومان دیگر هم به من بدهد!

نصف پرتغال

معلم ریاضی از دانش آموز پرسید: اگر مادرت به تو بگوید نصف پرتقال را می خواهی یا هشت شانزدهم، کدامش را انتخاب می کنی؟

دانش آموز پاسخ داد: نصف پرتقال را!

معلم گفت: مگر نمی دانی نصف پرتقال با هشت شانزدهم پرتقال یکی است؟

دانش آموز جواب داد: چرا آقا! می دانیم، ولی پرتقالی که شانزده تکه شده باشد، قابل خوردن نیست.

خر آبی

معلم: چند جانور را که در آب زندگی می کنند، نام ببر.

شاگرد: اگر ممکن است یکی را خودتان نام ببرید.

معلم: مثلاً اسب آبی.

شاگرد: آهان، فهمیدم. گاو آبی، خر آبی، گوسفند آبی، بزغاله ی آبی، شتر آبی!

اسم حیوان

معلم گفت: از روی پای این حیوان بگو اسمش چیست؟

شاگرد نگاهی به پا کرد و گفت: نمی دانم.

معلم پای چند حیوان دیگر را نشان داد و پس از آن که شاگرد پاسخ داد، عصبانی شد و گفت: زود بگو اسمت چیست تا یک صفر برایت بگذارم.

شاگرد کفش و جورابش را از پا در آورد و گفت: آقا! حالا شما از روی پایم بگویید اسمم چیست!

موقع مناسب

در کلاس درس معلم از دانش آموزی پرسید: مناسب ترین موقع چیدن سیب ها چه وقت است؟

دانش آموز با لحن جدی گفت: موقعی که سگ در باغ نباشد و باغبان هم بیرون رفته باشد!